

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد قراگزلو
۲۶ مارچ ۲۰۱۸

عفرین نماد بربریسیم دوران پسا فروپاشی دیوار!



اول. انباشت متکی بر تخریب!

بسیاری از مختصات کنونی حاکم بر روابط سیاسی اقتصادی دو قدرت برتر امپریالیستی مؤید پارادایمی است که از آن به عنوان دوران جنگ سرد یاد شده. با این همه و صرف نظر از این که مناسبات کنونی دولت های اصلی سرمایه داری با تمرکز بر دو بلوک روسیه - چین و امریکا - اروپا تا کجا از منطق دوران شناخته شده جنگ سرد پیروی می کند مسأله به وضوح این است که یورش جنایتکارانه دولت ترکیه به عفرین و اشغال و غارت وحشیانه این کانتون، در یکی از تیره ترین و تباه ترین ادوار تاریخی حاکم بر روابط بین الملل شکل بسته است. برهه ای که می توان از آن به دوران پسا فروپاشی شوروی و دیوار برلین یاد کرد. دورانی که با یکه تازی امپریالیسم امریکا بر متن جهان تک قطبی آغاز شده و در ادامه با عروج قدرت اقتصادی چین از یک سو و فدراسیون روسیه از سوی دیگر به عصر سیاه کنونی رسیده است. عصری که از هر نظر سرمایه داری به گندیده ترین و متعفن ترین شرایط تاریخی ممکن رسیده است. در هیچ برهه ای از تاریخ سیصد سال گذشته - که بورژوازی از طریق سلب مالکیت زمین از تولید کننده کشاورزی (دهقانان) پایه انباشت بدوی را پی ریخته است - تا کنون هرگز چنین دولت های هار و سیاستمداران غداری زمام امور کشورها را تحت کنترل خود نداشته اند.

کافی است به ترکیب هیأت حاکمه جهانی خم شوید تا سرکش ترین چرخش به راست نزدیک به فاشیسم و بربریسیم را تجسم کنید. از پوتین هفتاد و چهار درصدی شش سال آینده تا ترمپ و مرکل و ترزا می، بگیر و بیا تا اتریش و مجارستان و ترکیه و ... چین مادام العمر! اگر در دوران جنگ سرد فاکتور "تقسیم جهان" بر محور رقابت های امپریالیستی نوشته می شد اینک چنین به نظر می رسد که نوعی تقسیم کار و همکاری مشترک میان این قدرت ها شکل گرفته است که کار انباشت متکی بر تخریب را تسهیل می سازد. از آن جا که سرزمین های کشف نشده دیگری نمانده است؛ از آن جا که هرگونه وقوع جنگ میان دو قدرت برتر جهانی امکان یک "زمستان اتمی" و بازگشت به غار را کلید می زند، در نتیجه ایجاد بستر مناسب برای صدور سرمایه از طریق تعبیه بازارهای جدید مستلزم تخریب

زیرساخت های تمدنی کشورهایی است که قادراند به یاری منابع خام و نیروی کار خود هزینه های گذار از بحران سرمایه داری اصلی را به دوش بکشند. بر اساس تخمین های نسبی، عراق و افغانستان و لیبیا و یمن و سوریه و غزه برای بازگشت به دوران پیش از جنگ نیازمند سرمایه ای بالغ بر هشتصد میلیارد یورو هستند!

دوم. زد و بندها برای حل مسأله کورد!

با وجود برخی رقابت های واقعی و صوری، حوادث یک سال گذشته روزآوا و آن چه در دو کانتون کوبانی و عفرین گذشته است -و می گذرد- نماد واقعی کشمکش هایی است که یک سوی آن مردم زحمتکشی ایستاده اند که با چنگ و دندان از دستاوردهای دموکراتیک خود دفاع می کنند و در سوی دیگر دولت های امپریالیستی اصلی و فرعی صف بسته اند که با کمک انواع سازمان ها و باندهای سیاه تروریستی به دنبال منافع کارتل و تراست ها هستند. در واقع انطباق همین منافع است که سبب می شود فی المثل موصل و کرکوک بدون شلیک یک گلوله از سوی داعش و دولت عراق (حشدالشعبی) اشغال شوند. جایی که دو طرف "دعوا" خودی هستند همه چیز به خوبی و خوشی و سلام و صلوات حل و فصل می شود. تصور کنید شهری دو میلیونی به وسعت موصل بدون خون دماغ شدن یک نفر به اشغال داعش در می آید و بعد از دو سال برای بازپس گیری آن ارتش آمریکا به همراه دولت های عراق و ایران و ترکیه از همه سو به آن یورش می برند و ظرف هشت ماه تمام آثار تمدنی آن را تخریب می کنند تا شهر را "آزاد" کنند! سرزمینی سوخته که برای شهر شدن و بازگشت به حالت پیش از اشغال میلیاردها دالر سرمایه نیاز دارد. پل ها و بیمارستان ها و مدارس و دانشگاه ها و ادارات و ... که برای بازپس گیری عملاً می باید سالم مانده باشند به نحوی جنون آسا تخریب می شوند. بی آن که در موارد متعددی از نظر نظامی نیازی به تخریب آن ها باشد. کرکوک مدل دیگری از این داد و ستد است. جایی که یک سوی آن سازده مام جلال (اتحادیه میهنی) نشسته و سوی دیگر برادران حشدالشعبی. پس دو طرف خودی هستند و "دعوا و قشوقی" در کار نیست. سران ایل بارزانی که از این معامله خودی ها دلخور هستند فقط می توانند برگ قلمزهای توخالی "کاک ملبختیار" و نافل طالبانی را رو کنند که از دولت حریم خواسته اند "مرزها را برای پیوستن پیشمرگان به کتی به عفرین بکشایند!" "عفرین پیش کش! شما اگر خیلی اهل رشادت و شهادت بودید کرکوک را به سلیمانی و عامری نمی فروختید؟!" این گونه بچ بچه ها در قهوه خانه ها و محافل سیاسی سلیمانی به وفور شنیده می شود! "کاک مسعود با اردوخان رو در بایستی دارد و قامت نچپروان نیر برای این حرف ها زیادی کوتاه است." او در تهران برای ملاقات با شمخانی دو ساعتی در اتاق انتظار دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ایران خمیازه کشیده و آب پرتغال سرکشیده بود. این ها را دو طرفی می گویند که "رسالت شان" برای "حل مسأله کورد تاریخی و آباء و اجدادی است." دو طرف هم نمک گیر تهران و کرج هستند و هم آنکارا و استانبول! به تازگی نیز پای منافع عربستان و قطر و اسرائیل و مصر هم که به این جا باز شده است.

سوم. دوران پسا داعش!

شرایط اما تغییر کرده است. از موصل و کرکوک که بگذریم مختصات و شخصیت های داستان جنگ عفرین از اساس با کوبانی متفاوت است. تاریخ مصرف باند سیاه داعش رو به پایان است. دار و دسته های تبهکار این سازمان در کنار افراد متواری جبهه النصره و القاعده و سپاه شام تحت سازماندهی دولت ترکیه در ارتش آزاد و گرگ های خاکستری بازسازی شده اند. این فصل دیگری است! در کوبانی جبهه مقاومت روزآوا به طور مشخص در برابر تهاجم داعش می جنگید. با وجودی که در همان جنگ نیز دولت ترکیه تلویحاً و به صورت مختلف از تروریست های داعش حمایت می

کرد اما امریکا و اروپا و کم و بیش روسیه – که خود را قربانی تروریسم داعش می دانستند - لاجرم از اواخر جنگ در کنار مدافعان کوبانی قرار گرفتند. افکار عمومی جهانی نیز اعم از نیروهای چپ و رادیکال تا لیبرال ها خود را در دفاع از مقاومت کوبانی مسؤول می دانستند. اینک اما دوران پساداعش است. داعش در به حاشیه راندن انقلاب نان و آزادی در افریقای شمالی و خاورمیانه عربی بار خود را به منزلگه مقصود رسانده و تحویل مشتری داده است! اینک نوبت خود صاحب کار و " کارآفرین محترم " است! از سوی دیگر این نکته نیز قابل تأمل است که برای هر دو بلوک امریکا و روسیه نیز نیروهای پیاده ضد داعش و به طور مشخص جبهه مقاومت روژآوا از مسؤولیت اصلی خود تهی شده اند. مضاف به این که این نیروها و به ویژه شیوه حکومتی شان می تواند در آینده نزدیک ثبات و " امنیت " دولت های سوریه و عراق و ترکیه و ایران را به مخاطره افکنند! این چهار دولت که در عین حال دو به دو منافع مشترکی با امریکا و روسیه دارند و به نوعی متحد این قدرت ها محسوب می شوند نمی توانند در مقابل تفسیر رادیکال و دموکراتیک از حقوق زنان و دموکراسی مشارکتی اعمال شده در روژآوا بی تفاوت بمانند. این دموکراسی رادیکال همان خطری است که دست کم پنجاه سال پیش محافظه کاران مرکز مطالعات ستراتیژیک "اولین" در دانشگاه هاروارد از زبان هانتینگتون زنگش را نواختند و آن را به عنوان آلترناتیوی خطرناک در مقابل دموکراسی های غربی – که قرار بود جایگزین" دیکتاتوری های بلوک شرق " شوند - قلمداد کردند. اکنون اما آن " دیکتاتوری های شرقی " از رومانیه و پولند گرفته تا مجارستان و چک و المان شرقی و " سروران شان " در اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده اند و جای خود را به همان دموکراسی های غربی داده اند. درست که روژآوا سرزمینی حاشیه بی در این سوی جهان است و با پراگ و ورشو و بخارست و بوداپست فرسنگ ها فاصله دارد اما اگر قرار باشد این مدل دموکراسی از جایی شروع به گسترش کند آن جا نخست می تواند قنديل باشد. مثلاً! عفرین نیز " بدجائی " قرار گرفته است. درست هم مرز ترکیه و به قول جناب جانسون، وزیر " ارجمند " خارجه انگلستان " ترکیه حق دارد امنیت مرزهایش را تأمین کند! " البته آقای جانسون به این نکته " غیر مهم " وارد نمی شود که در تمام دوران جنگ در سوریه عفرین تنها شهری بوده است که ملیت ها و مذاهب و نژادهای مختلف با صلح و دوستی و آرامش در کنار هم زیسته و با مشارکت یکدیگر شهرشان را اداره کرده اند.

چهارم. قدرت نظامی را ول کن و آزادی زنان را بچسب!

از نظر دولت ترکیه این قدرت نظامی روژآوا نیست که "امنیت و ثبات" آن کشور را تهدید می کند. خلاف عریده های مستانه اردوخان؛ کانتون عفرین نه ظرف دو ساعت و دو روز بل که در عرض شصت روز بمباران و توپ باران هوایی و زمینی اشغال شده است. از سوی یکی از مجهزترین ارتش های ناتو. با این حال قدرت نظامی روژآوا در برابر امکانات چنین ارتشی چیزی کم تر از هیچ است. دولت ترکیه و "آ.ک.پ" به عنوان جریانی بنیادگرا و مدافع اسلام سیاسی روز به روز و تا آن جا که توانسته است آزادی های فردی و اجتماعی شهروندان و به ویژه زنان را محدود کرده است. چنین دولتی چه گونه می تواند در کنار گوش خود ناظر شهری باشد که دست کم دو سوم اداراتش از سوی زنان رهبری و مدیریت می شود! در مسابقه زن ستیزی فقط داعش است که می تواند روی دولت ترکیه و اردوخان را کم کند و به محض اشغال سرزمینی مانند شنگال زنان آن جا را به اسارت گرفته و همچون برده های جنسی در بازارها به فروش برساند و یا به نکاح جهادیون در آورد. و البته این "رو کم کنی" در یک مسابقه خودی سوت زده شده!

پنجم. اردوخان در راستای منافع اسد!

از منظر اسد و دولت سوریه مقابله با روژآوا در آینده پسداداش اجتناب ناپذیر است. عفرین به عنوان بخشی از خاک دولت "قانونی" سوریه در شرایطی از سوی ارتش ترکیه اشغال شده است که اسد و متحدانش در مسکو و تهران نه فقط خاموشی پیشه کرده اند و نسبت به شکسته شدن "استقلال و تمامیت ارضی" سوریه دهان به اعتراض نگشوده اند بل که با هر ژست بی طرفانه ای مراتب خشنودی شان از سقوط یکی از سه کانتون روژآوا قابل کتمان نیست! اردوخان و ترکیه مشغول شکستن مقاومتی هستند که دیر یا زود وظیفه اش متوجه اسد و دولت سوریه و متحدانش خواهد شد. بی هوده نیست که با وجود استقبال رهبری مقاومت از دخالت ارتش سوریه و کنترل عفرین توسط این ارتش، اسد نه فقط رغبتی به چنین دخالتی نشان نداد بل که در سینمای خانگی خود نشست و اشغال و قتل و غارت عفرین را تماشا کرد!

ششم. رسوایی "چپ" پرو پوتین!

چنان که دانسته است از سه کانتون روژآوا دو کانتون کوبانی و جزیره به نوعی هم پیمان بلوک امریکا و کانتون عفرین در بلوک و متحد روسیه تقسیم بندی شده اند. شاید هدف رهبری روژآوا از این تقسیم بندی اعمال نوعی تعادل و توازن میان قدرت های برتر جهانی دخیل در جنگ سوریه باشد. به همین سبب است که این رهبران سکوت توأم با حمایت مسکو از یورش ترکیه به عفرین را به حساب "خیانت" پوتین ریخته اند و این جا و آن جا سخن از این "خیانت" می کنند! واقعیت این است که اگر مواضع مسکو و پوتین از زاویه منافع سیاسی و طبقاتی بورژوازی عظمت طلب آن کشور ارزیابی شود فهم چنین "خیانتی" چندان دشوار نخواهد بود. این یک نکته.

نکته دیگر که برای سوسیالیست های ایرانی حائز اهمیت است این که در آغاز جنگ سوریه جماعتی که "سوسیالیسم" خود را دقیقاً مانند حزب توده دوران جنگ سرد در "ضدیت با امریکا" تعریف می کنند و درک نازل و سطحی و سخیف شان از مقوله امپریالیسم چیزی فرامرزی و در حدود جغرافیای امریکا است، با رگ های قوی شده گردن به حمایت از سیاست های "مترقی و ملی" فدراسیون روسیه برخاستند و از "دولت مستقل و ملی و مترقی و سکولار" اسد دفاع کردند و مخالفان را هم کاسه داعش و امریکا خواندند! این جماعت – که اکنون خاموش شده اند - در مقابل ارتجاع داعش و دولت اسد، الگوی روژآوا را به عنوان آلترناتیو بحران سوریه پیش می کشیدند و فدراسیون روسیه و پوتین را ضامن موفقیت چنین الگویی می دانستند. من همان زمان و در پاسخ به این جریان – گیرم حاشیه ئی اما پر سر و صدا – مقاله مبسوط "جنگ امپریالیستی در سوریه" را نوشتم و منتشر کردم که با وجود گذشت زمان ذره ای از اعتبار و قوت آن کاسته نشده است.

www.akhbar-rooz.com

مضاف به این که برای تدقیق مقوله "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" سلسله مقالاتی را نوشته و منتشر کرده ام که با وجود بیست شماره هنوز ادامه دارد.

جنگ در عفرین به وضوح تمام سر و صداهای "چپ" پرو روس مدافع پوتین را خاموش کرده است.

هفتم. الگوی روژآوا!

شکی نیست که با وجود اشغال عفرین تشکیل هر دولتی در ساحات سوریه آینده مستلزم مشارکت مستقیم جبهه مقاومت روژآوا است. اکنون این جبهه کم و بیش نزدیک به بیست و پنج درصد خاک سوریه را در اختیار دارد. حتا اگر تمام

"خاک" و قلمرو روژ آوا اشغال شود - که سخت دور و غیرمحمّل است - باز هم دستاورد دموکراسی مستقیم و مشارکتی حاکم بر عفرین کماکان یک آلترناتیو در آینده سوریه خواهد بود.

۲۹ اسفند ۱۳۹۶